

امام صادق (ع) از فرعون طلب
شیخ ابو مخنفی روایت میکند که فرعون طلب از امام صادق (ع) پرسید که چگونه می‌توانم از فرعون طلب شوم؟ امام فرمود: «تا زمانی که در راه حق ندانی، چگونه می‌توانی از فرعون طلب شوی؟»

فرعون طلب از امام صادق (ع) پرسید که چگونه می‌توانم از فرعون طلب شوم؟ امام فرمود: «تا زمانی که در راه حق ندانی، چگونه می‌توانی از فرعون طلب شوی؟»

فرعون طلب از امام صادق (ع) پرسید که چگونه می‌توانم از فرعون طلب شوم؟ امام فرمود: «تا زمانی که در راه حق ندانی، چگونه می‌توانی از فرعون طلب شوی؟»

فرعون طلب از امام صادق (ع) پرسید که چگونه می‌توانم از فرعون طلب شوم؟ امام فرمود: «تا زمانی که در راه حق ندانی، چگونه می‌توانی از فرعون طلب شوی؟»

فرعون طلب از امام صادق (ع) پرسید که چگونه می‌توانم از فرعون طلب شوم؟ امام فرمود: «تا زمانی که در راه حق ندانی، چگونه می‌توانی از فرعون طلب شوی؟»

فرعون طلب از امام صادق (ع) پرسید که چگونه می‌توانم از فرعون طلب شوم؟ امام فرمود: «تا زمانی که در راه حق ندانی، چگونه می‌توانی از فرعون طلب شوی؟»

فرعون طلب از امام صادق (ع) پرسید که چگونه می‌توانم از فرعون طلب شوم؟ امام فرمود: «تا زمانی که در راه حق ندانی، چگونه می‌توانی از فرعون طلب شوی؟»

آثار و برکات تفلوا از نگاه قرآن

بهیاری
قرآن کریم در سوره انفال و سوره اعراف، تفلوا را در کنار امر به معروف و نهی منکر قرار داده است. این امر به خودی خود دارای بارها برکت و ثواب است. اما در کنار آن، تفلوا نیز دارای بارها برکت و ثواب است.

تفلوا از لغات عربی است و به معنی «با هم بیایید» یا «با هم بیایید تا چیزی را ببینید» است. این لغت در قرآن کریم در سوره انفال و سوره اعراف آمده است.

قرآن کریم در سوره انفال و سوره اعراف، تفلوا را در کنار امر به معروف و نهی منکر قرار داده است. این امر به خودی خود دارای بارها برکت و ثواب است.

تفلوا از لغات عربی است و به معنی «با هم بیایید» یا «با هم بیایید تا چیزی را ببینید» است. این لغت در قرآن کریم در سوره انفال و سوره اعراف آمده است.

تفلوا از لغات عربی است و به معنی «با هم بیایید» یا «با هم بیایید تا چیزی را ببینید» است. این لغت در قرآن کریم در سوره انفال و سوره اعراف آمده است.

جمشتم نرم افزاری

جمشتم نرم افزاری
این نرم افزار برای محاسبه و تعیین تاریخ های مهم دینی مانند روزهای عاشورا، یاسر و غیره طراحی شده است.

آموزنده های نو از مدیریت اسلامی

آموزنده های نو از مدیریت اسلامی
این مجموعه کتاب برای آموزش اصول و مبانی مدیریت اسلامی در محیط های کاری و اجتماعی تدوین شده است.

حقوق

حقوق
این کتاب به بررسی مبانی حقوق اسلامی در زمینه های مختلف مانند حقوق خانواده، حقوق تجارت و غیره پرداخته است.

مسئله امام جماعت

مسئله امام جماعت
این کتاب به بررسی شرایط و شرایط امام جماعت در مساجد و اجتماعات دینی پرداخته است.

اسلام انتخابی یا تحمیلی؟

اسلام انتخابی یا تحمیلی؟
این کتاب به بررسی این موضوع پرداخته است که آیا اسلام دینی است که باید انتخاب کرد یا دینی است که بر ما تحمیل شده است.

این بخش به بررسی موضوعات دینی و فلسفی مرتبط با اسلام می‌پردازد.

این بخش به بررسی موضوعات دینی و فلسفی مرتبط با اسلام می‌پردازد.

این بخش به بررسی موضوعات دینی و فلسفی مرتبط با اسلام می‌پردازد.

این بخش به بررسی موضوعات دینی و فلسفی مرتبط با اسلام می‌پردازد.

این بخش به بررسی موضوعات دینی و فلسفی مرتبط با اسلام می‌پردازد.

آثار و برکات تقوا در قرآن

مهدی زبرکی

مرکز فرهنگ و معارف قرآن

پرهیز از محرّمات که در زبان دین از آن به تقوا تعبیر شده است، مهم‌ترین وسیله در سیر و سلوک معنوی و تقرّب به حضرت دوست است.

بدون تقوا رسیدن به هیچ مقامی امکان ندارد زیرا تا زمانی که نفس آلوده به چرک محرّمات و گناهان است و تا مادامی که تابع هوس‌ها و لذت‌های نفسانی است و شیرینی آن در کام اوست، اولین مقام کمالات معنوی برای او رخ نداده است^۱ و به حیات طیبه‌ای که هدف آفرینش شمرده می‌شود دست نمی‌یابد.

تقوا و پرهیز از محارم الهی از اهمیت والایی برخوردار است، و دارای آثار و برکات فراوانی در زندگی دنیوی و مقامات اخروی شخص متقی می‌باشد، در این مقال کوتاه، بسان چشیدن نمی‌ازیم، به برخی از آثار آن که در کتاب آسمانی قرآن کریم آمده است نظری می‌افکنیم، باشد که چراغ فروزان فرارویمان گردد.

۱- تشخیص حق از باطل

همانطوری که تفکر راهی است که انسان را به حقایق جهان هستی آشنا می‌کند. تقوا هم طریقی است که انسان را قادر به مشاهده حقایق و اسرار عالم می‌گرداند، هر قدر خواهش‌های مادی کمتر باشد و دل آدمی متوجه معبود گردد، معرفت فطری شکوفاتر و عبادت درونی نمود بیشتری می‌یابد، لذا متقی معارف دینی را آشکارا مشاهده کرده و می‌یابد. اما انسان بی‌تقوا آن‌چنان در تاریکی فرو می‌رود که اگر همه آیات الهی را به او ارائه دهند، چیزی نمی‌بیند. از این رو اگر انسان راه تقوا و پاکی نفس را طی کرد هم اسرار عالم را می‌بیند و هم صراط مستقیم را به آسانی می‌پیماید. چنانچه حضرت حق می‌فرماید: «إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا»^۲ اگر با تقوا بودید خداوند توان فرق نهادن بین حق و باطل را نصیب شما می‌کند.» اگر چه عقل آدمی برای درک حقایق آماده است، اما گاهی هوس‌ها و

۱. امام خمینی، چهل حدیث، چاپ پنجم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۷۳، ص ۲۰۶.

۲. انفال / ۲۹.

محبت‌های پوچ و حرص‌های بی‌مورد، چونان غباری مانع دید عقل می‌گردند لذا شناخت حق از باطل، نیک از بد و راه و چاه در مسیر حرکت انسان مشکل می‌گردد و این تقوا و تهذیب نفس است که نورانیتی ایجاد کرده و غبار راه را می‌نشانند.

جمال یار ندارد حجاب و پرده ولی غبار ره بنشان تا نظر توانی کرد

با یک تحلیل ساده نیز می‌توان این ثمره تقوا را درک نمود و آن اینکه در جوامعی که دینداری جایگاهی ندارد و هوس‌های آنی و لذت‌های مادی محور قرار گرفته است، دستگاه‌های تبلیغاتی و رسانه‌های جمعی، لذت‌جویی و هوس‌رانی را ترویج می‌کنند لذا در چنین محیطی تمییز حق از باطل بسیار مشکل می‌گردد و این‌ها همه در اثر بی‌تقوایی و آلودگی آن جامعه است.^۳ و از این گذر است که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «عقل آدمی در میان کشاکش هوای نفس و شهوت از میان می‌رود»^۴

۲- بهره‌مندی از تعالیم الهی

حضرت امام صادق علیه السلام می‌فرماید: علم تنها آموختن نیست بلکه آن نوری است که خداوند در دل آن کسی که می‌خواهد هدایتش کند قرار می‌دهد.^۵ با این بیان روشن می‌گردد که هر انسانی که با ملکوت اعلیٰ ارتباط پیدا کند، معارفی در نفسش القا می‌گردد. بدین معنی که قلب آدمی چونان آینه‌ای است و حضرت حق چون آفتاب، هر قدر آینه پاکیزه و صیقلی باشد، همانقدر نور حق در آن بیشتر تابیدن گیرد و همه جا را روشن گرداند. در طول تاریخ، علما و بزرگان زیادی به مقاماتی شده‌اند که هرگز از طریق عادی نمی‌توانسته‌اند به آن مقامات علمی دست یابند مگر آن که متصل به علم بیکران الهی گردیده باشند.^۶ لذا اساتید بزرگ، تصفیه نفس و اخلاص نیت را برای تحصیل علوم و معارف ضروری می‌شمارند چرا که پارسائی و دوری از محرّمات است که نفس را صفا می‌دهد و از پلیدی‌ها می‌رهاند و او را با عالم بالا مرتبط می‌سازد و لایق تعلیم الهی می‌گرداند.^۷

و از همین گذر است که تفکر در آیات الهی و تعمق در آنها به اهل تقوا منسوب شده است، آنجا که می‌فرماید:

۳. جمعی از نویسندگان، تفسیر نمونه، چاپ بیست و دوم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۳، ج ۷، ص ۱۴۰.

۴. فرید تنکابنی، الحدیث، چاپ دهم، تهران، نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۳۱۵.

۵. علامه مجلسی، بحارالانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ هـ.ق، ج ۱، ص ۲۲۵.

۶. جمعی از نویسندگان، همان، ص ۱۴۵.

۷. امام خمینی، پیشین، ص ۳۷۳.

«إِنَّ فِي اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَمَا خَلَقَ اللَّهُ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَّقُونَ»^۸ همانا در آمد و شد روز و شب و آنچه خداوند در آسمان‌ها و زمین آفریده، نشانه‌هایی برای اهل تقوا است. «گرچه سراسر جهان آیات الهی است و همه انسان‌ها حتی کافران در دریای این نشانه‌ها غرقند، اما این صفای قلب پرهیزکاران است که امکان شهود اسرار جهان را به آنان می‌دهد.

۳- بهره‌مندی از روزی و برکات آسمان و زمین

خداوند سبحان بندگان خود را آن‌چنان ظریف روزی می‌دهد که کس را بر آن وقوفی نیست. درهای خزائن الهی را طوری می‌گشایند که مشهود کسی نمی‌باشد از این رو کسی شایسته روزی الهی است که در کارهای خود، ظریف و دقیق باشد و ظرافت در سیر و سلوک، همان تقوای اعتقادی، اخلاقی و عملی است.^۹ لذا می‌فرماید: «مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا * وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ»^{۱۰} هر که تقوا پیشه کند، خداوند برای او راه خروج از تنگنا قرار می‌دهد و از آن‌جائی که گمان نمی‌برد به او روزی عطا کند.

از سوی دیگر، تقوای مالی و اقتصادی را خاطر نشان کرده و آن را مایه طهارت و برکت روزی می‌شمارد و می‌فرماید: «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ»^{۱۱} از اموال آنها به عنوان زکات بر گیر تا پاکیزه گردند. معلوم می‌گردد انسانی که زکات مالش را نمی‌پردازد، آلوده است و مالی که در دست دارد پاکیزه نیست. هم‌چنانکه کسب مال از راه حرام را اعلام جنگ با حضرت حق دانسته و آن را عامل بی‌برکتی می‌شمارد و می‌فرماید: «يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُزِيلُ الرِّبَا أَلْصَدَقَاتِ»^{۱۲} خداوند مال ربوی را نابود می‌کند و صدقه (مال مزکئی) را افزایش می‌دهد از این روست که باز شدن درهای برکات آسمان و زمین را در گرو ایمان و تقوای جامعه قرار داده است که «لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ ءَامَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ»^{۱۳} اگر مردم هر منطقه ایمان آورده تقوا بورزند، درهای برکات آسمان و زمین را بر آنان می‌گشاییم. و این به معنای تقوای همه افراد جامعه انسانی است نه تقوای عده‌ای و کفر و فساد برخی دیگر چرا که در این صورت سبب فساد از جامعه رخت بر نخواهد بست.^{۱۴}

۹. آیه‌الله جوادی آملی، تفسیر موضوعی، همان، ج ۴، ص ۲۳.

۱۱. توبه / ۱۰۳.

۱۳. اعراف / ۹۶.

۱۴. ج ۸، ص ۲۱۰.

۸. بونس / ۶.

۱۰. طلاق / ۲ و ۳.

۱۲. بقره / ۲۷۶.

۱۳. علامه طباطبائی، تفسیر المیزان، چاپ پنجم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۲۱۰.

۴- قبولی اعمال نزد خداوند

خدای سبحان، طیب است و منزّه و می فرماید: «إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ؛^{۱۵} سخن پاک است که به سوی او بالا می رود» پس سعادت بالا رفتن به سوی خداوند را به سخن پاک که همان اعتقاد حق است، اختصاص داده است.^{۱۶} این سخن پاک، فقط از جان پاکیزه که از چرک گناهان منزّه است، صادر می شود چرا که سخن و عمل جدای از حقیقت انسان نیست. بدین معنا که اگر صفحه دل آدمی از سیاهی گناه صاف گردد، اعمال نیک در آن مؤثرتر بوده و به هدف خود که تقرب جان آدمی به حضرت حق است بهتر می رسد.^{۱۷} لذا معلوم می گردد که تقوا علاوه بر اصلاح نفس، در تأثیر اعمال و قبولی آنها در درگاه الهی شرط لازم است، چنانچه قبولی اعمال را منحصر در اعمال متقین کرده می فرماید: «إِنَّمَا يَقْبَلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ؛^{۱۸} جز این نیست که خداوند فقط اعمال اهل تقوا را می پذیرد.» و چون روح عمل ارزشمند گردید، دیگر مقدار آن اهمیتی ندارد و اندک آن نیز، بسیار محسوب می شود، چه آنچه که مورد رضایت الهی است اندک و ناچیز شمرده نمی شود.^{۱۹}

۵- نجات از سختی ها

چنانچه گذشت، فرد متقی از تعلیم الهی برخوردار بوده و توان تشخیص حق از باطل نصیب او شده است لذا او در دشواری های زندگی فردی و اجتماعی خود در مانده نمی گردد و در تنگنا نمی ماند. او صاحب دید نیرومندی است که او را در مصائب و سختی ها یاری می رساند چنانچه فرموده: «مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا؛^{۲۰} هر که تقوا بورزد خداوند راه گشایش در سختی ها به او عطا می کند.» آن گونه که طبق بیان نورانی رسول اکرم ﷺ حتی اگر آسمان ها و زمین برای فرد متقی در هم پیچیده شود، خداوند برای او راه گشایش و فرج را می نمایاند.^{۲۱} و نیز می فرماید: «مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا؛^{۲۲} هر که تقوا بورزد، خدا کار را بر او آسان می گرداند» از دیگر سوی این فرقان و تعلیم الهی، هشیاری و فراستی به فرد پارسا می دهد که در برابر دشمنان و حيله گران نیز خود را نمی بازد و در تنگنا قرار نمی گیرد چرا که او با نور خداوندی می نگرد لذا حضرت حق وعده می دهد که «إِنْ تَضَيَّرُوا

۱۵. فاطر / ۱۰. ۱۶. علامه طباطبایی، پیشین، ج ۱۱، ص ۱۷۰.

۱۸. مانده / ۲۷.

۲۰. طلاق / ۲.

۲۲. طلاق / ۴.

۱۷. امام خمینی، پیشین، ص ۳۲۵.

۱۹. حدیثی از رسول اکرم ﷺ، علامه مجلسی، پیشین، ج ۷۰، ص ۲۸۶.

۲۱. علامه مجلسی، پیشین، ج ۷۰، ص ۲۸۵.

وَتَتَّقُوا لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا؛^{۲۳} اگر صبر کرده تقوا پیشه کنید، مکر و حيله آنان به شما ضرری نمی‌رساند.»

بهره‌مندی از هدایت قرآن

هدایت همان پیمودن طریق تکامل است که انسان مراحل نقص را پشت سر گذاشته و به مقامات بالاتر معنوی راه یابد. مسلماً قرآن کریم برای هدایت همه انسان‌ها نازل گردیده است اما خدای متعال می‌فرماید: «هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ»؛^{۲۴} قرآن مایه هدایت پرهیزکاران است» و بهره‌مندی از هدایت را مخصوص پارسایان می‌نماید. شاید سرّ این اختصاص این است که تا اولین مرحله تقوا که همان تسلیم در برابر حق و پذیرش آن است، در انسان وجود نداشته باشد، او هیچ‌گاه در پی حق نبوده و به دعوت پیامبران گوش نخواهد سپرد. آن کس حق و هدایت را می‌پذیرد که در جستجوی آن باشد. لذا هدایت قرآن کریم شامل حال پارسایان خواهد بود زیرا همانگونه که زمین شوره‌زار هرگز سنبل بر نیارد اگر چه هزاران مرتبه بر آن باران بیارد، سرزمین وجود انسان نیز تا از آلودگی‌های گناهان پاک نگردد، بذر هدایت را نمی‌پذیرد و شکوفا نمی‌گردد.^{۲۵}

از این رو، بعد از آن که خدای متعال ویژگی‌های اهل تقوا را بر می‌شمارد، می‌فرماید: «أُولَئِكَ عَلَى هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ»؛^{۲۶} ایشانند که هدایت پروردگارش شامل حالشان است.»

۷- آرمزش گناهان و رستگاری

خطاها و گناهانی که از آدمی سر می‌زند به مرور او را از درگاه الهی دور و دورتر می‌گرداند و قلبش را تاریک می‌سازد، اما خدای مهربان که پذیرای توبه بندگان است، در عین آنکه وعده آرمزش و محو گناهان می‌دهد. آنان را به رعایت حرمت او امر خویش فرا می‌خواند و می‌فرماید «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَكْفُرْ عَنهُ سَيِّئَاتِهِ»؛^{۲۷} هر که تقوای الهی پیشه سازد، گناهان او را بپوشد و بیمارزد» از دیگر سوی آیه شریفه از بین رفتن گناهان و آثار آنها را از پاداش‌هایی بر می‌شمرد که بر پرهیزگاری مترتب می‌گردد. پس هر آن‌که به مقام والای تقوا نایل آید و سعی در جبران گذشته خود نماید، با نور عبادت و اطاعت خالق خویش، تاریکی‌ها را از دلش برطرف ساخته و قدم در سعادت و رستگاری

۲۴. بقره/۲.

۲۶. بقره/۵.

۲۳. آل عمران/۱۲۰.

۲۵. جمعی از نویسندگان، پیشین، ج ۱، ص ۶۷.

۲۷. طلاق/۵.

می‌نهد^{۲۸} که فرمود «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّهَا»^{۲۹} براستی رستگار شد آنکه نفس خویش را پاک گرداند، از این رو خدای سبحان بندگان را به اجتناب از معاصی دعوت می‌کند تا آنان در سایهٔ پارسایی به فلاح و رستگاری دست یابند چنانچه فرموده است «وَأَتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»^{۳۰} تقوای الهی پیش گیرید باشد که به سعادت برسید.»

۸- پاداش بزرگ اخروی

آنچه از بهشت و پاداش‌های اخروی، برای انسان‌ها وعده داده شده است، همه در سایه تقوا و انجام واجبات الهی و پرهیز از محرمات است، بهشت برین با تمامی نعمت‌های بی‌پایانش برای پارسایان مهیا گردیده است که «أُزِلْفَتِ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ»^{۳۱} بهشت را به اهل تقوا نزدیک سازند» اما آنچه که برای پرهیزکاران، چشم‌روشنی بزرگ است آن است که خداوند را با صفت رحمانیتش مشاهده خواهند نمود که فرمود «يَوْمَ نَخْشُرُ الْمُتَّقِينَ إِلَى الْرَحْمَنِ وَفْدًا»^{۳۲} روزی که متقین را به سوی خدای رحمان به اجتماع محشور گردانیم» پس آنان در جایگاهی بس رفیع و منیع به محضر ربوبی راه یابند «فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِكٍ مُّقْتَدِرٍ»^{۳۳} در جایگاه صدق نزد مالک مقتدر» به وصال معشوق حقیقی برسند.»

۲۸. سیدکاظم ارفع، اخلاق در قرآن، چاپ اول، تهران، فیض کاشانی، ۱۳۷۳، ص ۲۳.

۳۰. بقره / ۱۸۹.

۳۲. مریم / ۸۵.

۲۹. شمس / ۹.

۳۱. شعراء / ۹۰.

۳۳. قمر / ۵۵.